

316842 - آیا لوح محفوظ مخلوق است و آیا قرآن در آن حلول می یابد و آیا نور خداوند در روز قیامت در زمین حلول می یابد؟

سوال

آیا لوح محفوظ مخلوق است؟ و اگر جواب آری است، چگونه قرآن در آن هست حال آن که قرآن مخلوق نیست؟ در حدیث آمده که: «به نور چهره تو که تاریکی ها را روشن کرده پناه می برم» آیا معنی اش این است که نوری که می بینیم از نور خداوند است؟ و آیا معنی اش این است که صفات خداوند در خلق او حلول یافته؟

پاسخ مفصل

اولاً:

لوح محفوظ مانند دیگر آفریده های خداوند، مخلوق است و هر چیزی جز الله مخلوق است، مانند عرش و کرسی و لوح محفوظ.

این امری است آشکار که اشکالی در آن نیست و اصلاً اختلافی در آن رخ نداده است، زیرا هر چیزی جز خداوند جل جلاله مخلوق اوست و پس از آن که نبوده به وجود آمده، لوح محفوظ و قلم و عرش و هر چیزی که در آسمان و بالای آسمان و در زمین است و هر آنچه در این هستی وجود دارد، همه آفریده شده توسط الله رب العالمین است.

در این که قرآن در لوح محفوظ نوشته شده باشد اشکال و ایرادی نیست، چنان که ما نیز قرآن را بر کاغذ چاپ می کنیم که مخلوق است.

همین طور که ما سخن را به زبان می آوریم و آن را در برگه هایی می نویسیم در حالی که صفت کلام که از صفات ماست در این اوراق حلول نمی یابد بلکه همه صفات ما قائم به ذات ماست.

ثانیاً:

نور، از صفات الله تعالی است، چنان که می فرماید:

{وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ}

[زمر: ۶۹]

(و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند) و روز قیامت نیز همین گونه خواهد بود.

اما در دنیا، نوری که ما می بینیم مخلوق است و نور خورشید و ماه و دیگر مخلوقات است.

در روز قیامت نیز نمی گوئیم که صفت خداوند در زمین حلول یافته، بلکه صفت او قائم به ذات اوست، مانند علم و سمع و بصر و خلق و اراده و کلام او.

ما در این دنیا از نور خورشید و ماه روشنی می گیریم حال آن که آن دو از ما دورند و کسی نمی گوید خورشید یا ماه در ما حلول یافته است یا آن که صفت خورشید و ماه در ما حلول یافته، بنابراین صفت قائم به موصوف است اما صفت اثری دارد و آن چه از آن تولید می شود.

ابن قیم - رحمه الله - در نونیه خود (۲۱۲) می گوید:

«نور از نام های اوست همچنین و از اوصاف او، که پاک و منزّه است آن صاحب برهان

و حجاب او نور است که اگر حجابش را کشف کند اکوان را بسوزاند

و هرگاه که برای داوری آید نورش در زمین روشنی بخشد...»

و همچنین می گوید: «در نص از پروردگار به نام نور نام برده شده و این که نوری به او نسبت داده می شود و این که او نور آسمان ها و زمین است و این که حجاب او نور است، در نتیجه این چهار نوع است.

بنابر اولی او سبحانه و تعالی به شکل مطلق نور نامیده می شود چرا که او نور هدایت گر است.

و دومی به او اضافه می شود، چنان که صفات حیات و سمع و بصر و عزت و قدرت و علم به او افزوده می شود (یعنی گفته می شود علم الله و نور خداوند و عزت پروردگار و...).

و این گاه به وجه (چهره) او افزوده می شود [و گفته می شود وجه پروردگار] و گاه به ذات او...

سوم: افزودن نور او به آسمان ها و زمین است، مانند این سخن تعالی:

{اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} [نور: ۳۵]

(الله نور آسمان ها و زمین است)

و چهارم مانند این سخن [پیامبر صلی الله علیه وسلم که] «**حجابش نور است**».

بنابراین نوری که به پروردگار نسبت داده می شود بر چهار وجه پیشین است» (مختصر الصواعق: ۴۲۳).

از شیخ بن باز درباره تفسیر آیه **﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾** پرسیده شد.

ایشان چنین پاسخ دادند: معنای آیه کریمه نزد علما این است که الله سبحانه و تعالی آن را منور ساخته، بنابراین همه نوری که در آسمان ها و زمین و روز قیامت است همه از نور او سبحانه است.

نور بر دو نوع است: نور مخلوق که در دنیا و آخرت و در بهشت است و همچنین نوری که هم اکنون در میان مردم است از [جمله] نور ماه و خورشید و ستارگان و همین طور نور حاصل از برق و آتش، همه مخلوق است که از آفریده های پروردگار سبحانه و تعالی است.

اما نور دوم: نوری است که مخلوق نیست بلکه از صفات خداوند سبحانه و تعالی است. و الله سبحانه و تعالی با همه صفات خود، خالق است و هر چه ماسوای اوست، مخلوق است و نور وجه او عزوجل و نور ذات او سبحانه و تعالی هر دو غیر مخلوق است بلکه هر دو صفتی از صفات او جل و علا است.

و این نور عظیم، وصف اوست و مخلوق نیست، بلکه صفتی از صفات اوست، مانند سمع و بصر و ید و قدم و دیگر صفات والای او سبحانه و تعالی.

و این همان سخن حقی است که اهل سنت و جماعت بر آن می باشند» (مجموع فتاوی: ۵۴ / ۶).

اما حدیث «**أعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات**» (به نور چهره تو که تاریکی ها را روشن کرده پناه می برم) ضعیف است. برای بیان ضعف آن به «**سلسلة الأحادیث الضعيفة والموضوعة**» آلبانی (۴۸۶ / ۶) مراجعه نمایید.

والله اعلم.